



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۲۹

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: بررسی مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع (ادامه روایات جواز اخذ جوائز السلطان تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۲۳)

استاد: محمدسعید واعظی حفظه الله

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن الدائم على اعدائهم اجمعين

خلاصه ما سبق

در حال بررسی روایات مربوط به جوائز السلطان در باب ۵۱ (بَابُ أَنَّ جَوَائِزَ الظَّالِمِ وَ طَعَامَهُ حَلَالٌ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَكْسَبٌ إِلَّا مِنَ الْوَلَايَةِ إِلَّا أَنْ يَعْلَمَ حَرَاماً بِعَيْنِهِ وَ أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ الْاجْتِنَابُ وَ حُكْمٌ وَ كَيْلُ الْوَقْفِ الْمُسْتَجَلِّ لَهُ) وسایل الشیعه از ابواب ما یکتسب به بودیم که دوازده حدیث اول این باب را مورد بررسی قرار دادیم و در ادامه سایر احادیث باب را بررسی خواهیم کرد.

بیان شد که اولاً باید ببینیم این روایات دلیل بر جواز شرعی اخذ اموال از دستگاه دولت نامشروع هستند یا خیر، و ثانیاً بر فرض قبولی، آیا این مطلب دلالت بر مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع و نفوذ تصرفات آن می‌کند یا خیر.

حدیث سیزدهم

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيُّ فِي قُرْبِ الْأَسْنَادِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ ع كَانَا يَغْمِرَانِ مُعَاوِيَةَ - وَ يَقَعَانِ فِيهِ وَ يَقْبَلَانِ جَوَائِزَهُ.^۱
[قرب الاسناد: به سندش تا امام باقر (علیه السلام) فرمود: امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) گوشه می‌زدند به معاویه و درباره او چیزها می‌گفتند (نقد شدیدی نسبت به او داشتند) و بخشش‌های او را می‌پذیرفتند.]

روایت به حسب مفاد لزوماً، نه دلالتی بر مالکیت معاویه نسبت به اموال بیت المال دارد و نه دال بر نفوذ تصرفات معاویه نسبت به اموال مربوط به دولت اسلامی است. بنابراین روایت بر فرض قبول سند از این جهت مجمل است بلکه می‌توان گفت ظاهر روایت با توجه به مناسبات مساله چیز دیگری است.

قبلاً هم بیان شد این که امام صادق علیه السلام این مطلب را نقل فرموده‌اند لزوماً به معنای این نیست که در مقام بیان حکم شرعی اخذ جوائز سلطان بوده باشند، بلکه می‌تواند به جهت بیان سعه شرعی ولایت صاحب منصب امامت بر اموال دولتی باشد.

^۱ وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه - ۵۱ - بَابُ أَنَّ جَوَائِزَ الظَّالِمِ وَ طَعَامَهُ حَلَالٌ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَكْسَبٌ إِلَّا مِنَ الْوَلَايَةِ إِلَّا أَنْ يَعْلَمَ حَرَاماً بِعَيْنِهِ وَ أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ الْاجْتِنَابُ وَ حُكْمٌ وَ كَيْلُ الْوَقْفِ الْمُسْتَجَلِّ لَهُ - جلد ۱۷، صفحه ۲۱۷



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۲۹

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: بررسی مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع (ادامه روایات جواز اخذ جوایز السلطان تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۲۳)

استاد: محمدسعید واعظی حفظه الله

حدیث چهاردهم

أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الطَّبْرَسِيُّ فِي الْإِحْتِجَاجِ عَنِ الْحُسَيْنِ ع أَنَّهُ كَتَبَ كِتَاباً إِلَى مُعَاوِيَةَ - وَ ذَكَرَ الْكِتَابَ وَ فِيهِ تَفْرِيعٌ عَظِيمٌ وَ تَوْبِيخٌ بَلِيغٌ قَالَ فَمَا كَتَبَ إِلَيْهِ مُعَاوِيَةُ بِشَيْءٍ يَسُوؤُهُ وَ كَانَ يَبْعَثُ إِلَيْهِ فِي كُلِّ سَنَةٍ أَلْفَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ سِوَى عُرُوضٍ وَ هَدَايَا مِنْ كُلِّ ضَرْبٍ.^۱

امرحوم طبرسی در احتجاج نامه‌ای را از امام حسین علیه السلام به معاویه نقل کرده‌اند که در ضمن آن نامه حضرت مطالبی در سرزنش و توبیخ شدید نسبت به معاویه نوشته‌اند ولی معاویه در پاسخ چیزی که باعث ناراحتی حضرت بشود ننوشت، و هر سال یک میلیون درهم (غیر از کالاهای دیگر از انواع کالاها و هدایا) برای حضرت می‌فرستاد.

اولاً روایت ناقل روایت معلوم نیست، و در سند ارسال وجود دارد و ثانیاً بر فرض صحت سند اشکال دلالی که در روایت قبل بیان شد، در اینجا نیز مطرح است.

حدیث پانزدهم

وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيِّ أَنَّهُ كَتَبَ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ ع - يَسْأَلُهُ عَنِ الرَّجُلِ مِنْ وَكَلَاءِ الْوَقْفِ مُسْتَحِلٌّ لِمَا فِي يَدِهِ لَا يَرِغُ عَنْ أَخْذِ مَالِهِ زُبْماً نَزَلَتْ فِي قَرْيَتِهِ وَ هُوَ فِيهَا أَوْ أَدْخُلُ مَنْزِلَهُ وَ قَدْ حَضَرَ طَعَامُهُ فَيَدْعُونِي إِلَيْهِ فَإِنْ لَمْ أَكُلْ مِنْ طَعَامِهِ غَادَانِي عَلَيْهِ فَهَلْ يَجُوزُ لِي أَنْ أَكُلَ مِنْ طَعَامِهِ وَ أَتَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ وَ كَمْ مِقْدَارُ الصَّدَقَةِ وَ إِنْ أَهْدَى هَذَا الْوَكِيلُ هَدِيَّةً إِلَى رَجُلٍ آخَرَ فَيَدْعُونِي إِلَى أَنْ أَتَالَ مِنْهَا وَ أَنَا أَعْلَمُ أَنَّ الْوَكِيلَ لَا يَتَوَرَّعُ عَنْ أَخْذِ مَا فِي يَدِهِ فَهَلْ عَلَيْهِ فِيهِ شَيْءٌ إِنْ أَنَا نَلْتُ مِنْهَا الْجَوَابُ إِنْ كَانَ لِهَذَا الرَّجُلِ مَالٌ أَوْ مَعَاشٌ غَيْرُ مَا فِي يَدِهِ فَكُلَّ طَعَامَهُ وَ أَقْبَلَ بِرَّهْ وَ إِلَّا فَلَا.^۲ وَ رَوَاهُ الشَّيْخُ فِي كِتَابِ الْغَيْبَةِ بِالإِسْنَادِ الْآتِي.

احتجاج: محمد بن عبدالله حمیری به امام قائم (علیه السلام) نوشت و آن حضرت را پرسید از یکی متصدیان وقف که آن را در دست دارد و حلال می‌شمارد بر خود، و پرهیز ندارد از بردن مال وقف و بسا که به ده وقفی او وارد شوم یا در منزل او، و

^۱ وسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه - ۵۱ - بَابُ أَنَّ جَوَائِزَ الظَّالِمِ وَ طَعَامَهُ حَلَالٌ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَكْسَبٌ إِلَّا مِنَ الْوِلَايَةِ إِلَّا أَنْ يَعْلَمَ حَرَاماً بِعَيْنِهِ وَ أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ الْاجْتِنَابُ وَ حُكْمُ وَكَيْلِ الْوَقْفِ الْمُسْتَحِلِّ لَهُ - مجلد ۱۷، صفحه ۲۱۷

^۲ وسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه - ۵۱ - بَابُ أَنَّ جَوَائِزَ الظَّالِمِ وَ طَعَامَهُ حَلَالٌ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَكْسَبٌ إِلَّا مِنَ الْوِلَايَةِ إِلَّا أَنْ يَعْلَمَ حَرَاماً بِعَيْنِهِ وَ أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ الْاجْتِنَابُ وَ حُكْمُ وَكَيْلِ الْوَقْفِ الْمُسْتَحِلِّ لَهُ - مجلد ۱۷، صفحه ۲۱۷



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۲۹

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: بررسی مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع (ادامه روایات جواز اخذ جوائز السلطان تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۲۳)

استاد: محمدسعید واعظی حفظه الله

خوراکش حاضر است و مرا بدان دعوت میکند و اگر از آن نخورم به خاطر آن نسبت به من دشمنی ورزد آیا رواست از خوراکش بخورم و صدقه‌ای بدهم، و چه اندازه صدقه بدهم، و اگر این متصدی هدیه‌ای به دیگری بدهد و او مرا دعوت کند که از آن بخورم و من می‌دانم که متصدی پرهیز ندارد از آنچه دارد آیا اگر چیزی از آن را برگرفتم چیزی بر من باشد؟ جواب (درآمد که): اگر این مرد مال و راه معاشی جز آن وقف زیر دستش دارد، از خوراکش بخور و بخشش او را بپذیر و اگر ندارد نه.]

برخی مانند مرحوم شیخ در مورد این که چرا در فرضی که شخص مال و راه درآمد دیگری دارد، با این که علم اجمالی به حرمت مال شخص وجود دارد، حضرت در تصرف مال او تجویز فرموده‌اند، وجوهی مطرح کرده‌اند از جمله این که گفته شده که علم اجمالی منحل است چراکه بعضی از اطراف آن محل ابتلا نیست. نظیر آن چیزی که در فتاوی در مورد جواز تصرف در مال رباخوار یا کسی که خمس را نمی‌پردازد آمده است.

بر فرض صحت سند (چه قبول آن چه که در احتجاج آمده و ذکر شد و چه سندی که در کتاب الغیبه آمده، که ظاهراً تا شخص ناقل سند صاحب وسایل که در فایده دوم در خاتمه وسایل آمده، صحیح است و ناقل نیز که ثقة است، شهادت داده که این املای حسین بن روح است، و بر فرض این که حسین بن روح از جانب خودشان جواب را مرقوم نکرده باشند، و در نتیجه سند را پذیرفته شود)، به نظر می‌رسد همان طور که خود مرحوم شیخ حر عاملی هم در وسایل اشاره کرده‌اند، روایت ربطی به ما نحن فیه ندارد،^۱ چراکه سوال کاتب در مورد تصرف در اموال وقفی است نه اموال دولتی. بنابراین نمی‌توان جواز اخذ مال از دولت جائز و مشروعیت تصرفات او را از آن نتیجه گرفت.

حدیث شانزدهم (آخرین حدیث باب ۵۱)

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى فِي نَوَادِرِهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: لَا بَأْسَ بِجَوَائِزِ السُّلْطَانِ.^۲

قبلاً نیز مشابه همین مضمون را در روایات قبل داشتیم و گفته شد که در آن دو احتمال مطرح است، یکی این که امام در مقام بیان حکم شرعی اولی اخذ جوائز السلطان باشند، دوم این که امام در مقام اعمال ولایت از ناحیه خودشان برای تحلیل

^۱ أَقُولُ: وَ تَقَدَّمَ مَا يَدُلُّ عَلَى ذَلِكَ وَ يَأْتِي مَا يَدُلُّ عَلَيْهِ وَ لَا يَحْفَى أَنْ الْمَفْرُوضُ فِي الْأَخِيرِ الْعِلْمُ بِكَوْنِ الْجَمِيعِ حَرَاماً وَ اشْتِرَاطُ احْتِمَالِ الْإِبَاحَةِ لِيُمْكِنَ الْحُكْمُ بِهَا حَيْثُ إِنَّ مَا فِي يَدِهِ وَقَفَّ عَلَى الْغَيْرِ وَ الْمَفْرُوضُ فِي الْأَوَّلِ كَوْنُهُ مِنْ عَمَلِ السُّلْطَانِ وَ مَعْلُومٌ أَنَّ فِيهِ كَثِيراً مِنَ الْأَقْسَامِ الْمُبَاحَةِ مُشْتَرِكٌ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ وَ يَحْتَمِلُ الْكَرَاهَةَ فَلَا مُنَافَاةً.

^۲ وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه - ۵۱ - بَابُ أَنَّ جَوَائِزَ الظَّالِمِ وَ طَعَامَهُ حَلَالٌ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَكْسَبٌ إِلَّا مِنَ الْوَلَايَةِ إِلَّا أَنْ يَعْلَمَ حَرَاماً بَعْثِيهِ وَ أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ الْاجْتِنَابُ وَ حُكْمُ وَكِيلِ الْوَقْفِ الْمُسْتَجِلِّ لَهُ

بسم الله الرحمن الرحيم



جلسه: ۲۹

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: بررسی مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع (ادامه روایات جواز اخذ جوائز السلطان تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۲۳)

استاد: محمدسعید واعظی حفظه الله

اخذ باشند.

جمع بندی احادیث باب ۵۱

از مجموع روایات به نظر می‌رسد جوازی که برای اخذ جوائز السلطان وجود دارد، در واقع اجازه‌ای است که ائمه علیهم السلام به خاطر ولایتشان بر اموال دولتی (عمومی، انفال، مجهول المالك، ...) به شیعیان داده‌اند، و نمی‌توان آن را به عنوان یک حکم شرعی اولی به روایات (فارغ از اشکالات سندی در بسیاری از آن‌ها) نسبت داد.

در برخی روایات تعبیری داریم برای این که این اجازه مربوط به خصوص شیعیان است، مانند تعبیر "لا باس علیکم" در ذیل صحیحی ابی همام آمده است:

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي هَمَّامٍ قَالَ: قُلْتُ لِلرَّضَا ع الرَّجُلُ يَكُونُ عَلَيْهِ الدَّيْنُ وَ يَحْضُرُهُ الشَّيْءُ أَوْ يَقْضِي دَيْنَهُ أَوْ يَحْجُّ قَالَ يَقْضِي بِنَعْضٍ وَ يَحْجُّ بِنَعْضٍ قُلْتُ فَإِنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا بِقَدْرِ نَفَقَةِ الْحَجِّ فَقَالَ يَقْضِي سَنَةً وَ يَحْجُّ سَنَةً فَقُلْتُ أُعْطِيَ الْمَالَ مِنْ نَاحِيَةِ السُّلْطَانِ قَالَ لَا بَأْسَ عَلَيْكُمْ.^۱

بررسی احادیث باب ۵۲ از ابواب ما یکتسب به (بَابُ جَوَازِ شِرَاءِ مَا يَأْخُذُهُ الظَّالِمُ مِنَ الْغَلَّاتِ بِاسْمِ الْمُقَاسَمَةِ وَ مِنَ الْأَمْوَالِ بِاسْمِ الْخَرَاجِ وَ مِنَ الْأَنْعَامِ بِاسْمِ الزَّكَاةِ)

این دست از روایات نیز که دلالت دارد بر جواز خرید اموال دولت جائز که به عنوان زکات، مالیات و مقاسمه از مردم می‌گرفته است (که معمولاً نیز با اجحاف همراه است)، برای اثبات نفوذ تصرفات دولت جائز (مانند اخذ اموال به عنوان زکات و مالیات و مقاسمه از مردم، و فروختن آن‌ها) مورد تمسک قرار گرفته است.

حدیث اول

[وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه - ۵۲- بَابُ جَوَازِ شِرَاءِ مَا يَأْخُذُهُ الظَّالِمُ مِنَ الْغَلَّاتِ بِاسْمِ الْمُقَاسَمَةِ وَ مِنَ الْأَمْوَالِ بِاسْمِ الْخَرَاجِ وَ مِنَ الْأَنْعَامِ بِاسْمِ الزَّكَاةِ - مجلد ۱۷، صفحه ۲۱۸]
مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى ع مَا

^۱ اصول الکافی - بَابُ الرَّجُلِ يَسْتَدِينُ وَ يَحْجُّ - مجلد ۴، صفحه ۲۷۹



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۲۹

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: بررسی مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع (ادامه روایات جواز اخذ جوائز السلطان تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۲۳)

استاد: محمدسعید واعظی حفظه الله

لَكَ لَا تَدْخُلُ مَعَ عَلِيٍّ فِي شِرَاءِ الطَّعَامِ إِنِّي أَظُنُّكَ ضَيِّقًا قَالَ قُلْتُ: نَعَمْ فَإِنْ شِئْتَ وَسَعَتْ عَلَيَّ قَالَ اشْتَرِهِ.^۱

سند شیخ به حسین بن سعید اهوازی صحیح است، بنابراین سند روایت تام است.

در تعبیر "ضیقاً" در روایت دو احتمال وجود دارد، یکی اینکه مراد سختی در معیشت باشد و دیگر آنکه مقصود سخت‌گیری در معامله با علی بن یقطین باشد، که با توجه به تعبیر ذیل روایت (فَإِنْ شِئْتَ وَسَعَتْ عَلَيَّ) به نظر می‌رسد احتمال دوم منظور باشد، یعنی عبد الرحمن در معامله اشکال شرعی می‌دیده است.

بنابراین نشان می‌دهد ارتکاز سائل که از بزرگان فقها است این بوده که به حکم اولی این معامله که به نحوی از طرف دستگاه دولت جور انجام می‌شده، اشکال شرعی دارد ولی امام می‌توانند با اعمال ولایت اخذ مال را اجازه دهد، مانند آن که برای دریافت مالی از یک غاصب از صاحب اصلی آن اجازه گرفته شود. لذا روایت نمی‌تواند دلیل بر نفوذ تصرفات دولت نامشروع محسوب شود.

^۱ وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه - ۵۲ - بَابُ جَوَازِ شِرَاءِ مَا يَأْخُذُهُ الظَّلَامُ مِنَ الْعَلَّاتِ بِاسْمِ الْمُفَاسَّحَةِ وَ مِنَ الْأَمْوَالِ بِاسْمِ الْخُرَاجِ وَ مِنَ الْأَنْعَامِ بِاسْمِ